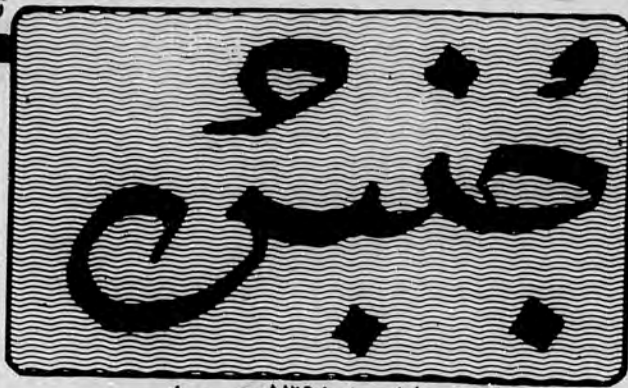


**کرایسکی،**  
**چائوشسکو**  
**و آیت الله خمینی**  
در صفحه ۸



دوشنبه هفتم آبان ماه ۱۳۵۸ هجری شمسی

**آیا دادگستری و**  
**قانون لازم نیست**  
در صفحه ۲

# بحثی در مفهوم سیاست خارجی.

علی اصغر حاج سید جواد

تا وقتی که چارچوب اجتماعی و اقتصادی سیاست داخلی خود را تنظیم و مشخص نکنیم، قادر به تعیین خطوط اساسی سیاست خارجی خود نیستیم.

ما نمیتوانیم از انقلاب خود نظامی بوجود آوریم که متکی به سرمایه داری استثمار کننده و فقیرکننده‌ای باشد. که نتیجه‌ای جز عقب ماندگی و جهل و استبداد و اختناق و غارت اکثریت توده‌های محروم ایران و حاکمیت گروهی غارتگر و مستبد و وابسته به استثمار جهانی ندارد.

بحث در این واقعیت غیر قابل اجتناب است که سیاست خارجی هر کشور معلول مستقیم سیاست داخلی است و سیاست داخلی مفهوم وسیع آن شامل شیوه‌هایی است که از ضوابط اجتماعی و اقتصادی جامعه شکل میگیرد مثلاً

طبیعی کشور را هموار کند و طبعاً چنین شیوه‌ای بعنوان سیاست داخلی اجتماعی و اقتصادی سیاست خارجی کشور را در جهت منافع خود تنظیم میکند یعنی در جهت رابطه با قدرتهای غارتگر و مستبد بین المللی و تقسیم منابع و درآمدهای کشور با آنها تا بتواند حمایت آنها را برای حفظ بقای خود جلب کند بنابراین در مقاطعی از تاریخ نظیر دوران استعمار نفوذ و دخالت کشورهای نیرومند استعماری چه از طریق دخالت نظامی یا سیاسی وجود یک سیاست داخلی ویرانگر را بر کشورهای زیر نفوذ تحمیل میکنند، یعنی با دخالت مستقیم و غیر مستقیم

## پشت و روی سکه کردستان؟

آیا شست و شوی مغزی یک طرح مترقی است؟  
این تبلیغات مترقی و انسانی است یا نوعی برادر کشی؟

اسلام کاظمی

استفاده‌ای شده است از یک جمله‌ی رهبر انقلاب، و چنین وانمودش کرده‌اند که خطاب به هر چه اهل قلم است حتی آنکه در صف نماز جمعه ایستاده است. و خالی می‌شوی و در

ایستاده‌اند. شرمند می‌شوی از اینکه می‌خواهی طرف مقابل را متهم به بی‌اطلاعی و بی‌فرهنگی کنی در حالی که بر کرسی خطاب و از سنگر انقلاب و در دانشگاه تهران چنین

جنگ خود یک فاجعه است. جنگ داخلی و برادر کشی فاجعه‌ای مضاعف و اگر این جنگ داخلی، این فاجعه‌ی مضاعف تحمیلی و همراه با فقر فرهنگی جنگدگان باشد و ناشی از نیت سودجویانه و مفرضانه‌ی برپا کنندگان و تحمیل کنندگان جنگ دیگر نمیدانی نامش را چه بگذاری و خالی می‌شوی و در فضائی تهی رها می‌شوی، و از خود چیزی نداری تا بگویی و به یاد یک جمله‌ی دردناک پدر طالقانی می‌افتی که شاید در حالتی چنین بر زبان آورد:  
- می‌خواستم گریه کنم به حال خودم و این ملت....

## روز همبستگی

روز جمعه گروه‌های مردم از ده نقطه‌ی شهر تهران به قصد اظهار همبستگی مکرر با امام به سوی دانشگاه تهران به حرکت درآمدند. در این راه پیمانی نه تنها مردمی از تهران، بلکه از اطراف تهران، آذربایجان و گرمسار و شهریار و غیره تا اهالی شهرکها و روستاهای تاملز اصفهان شرکت داده شده بودند. علاوه بر این آنچه به چشم می‌خورد شرکت قابل توجه افراد ارتش و شهربانی و افسران و سربازان در این تظاهرات عظیم بود. شب نیز در تلویزیون فیلم حرکت مردم را در تهران و شیراز و اصفهان و مشهد و تبریز و رضائیه دیدیم. امیدواریم روزی قلمهائی از این حرکت یا مشابه این حرکت در خوزستان و سیستان و مهاباد و گیلوینادر جنوب و بلوچستان هم تهیه شود و تماشاگر آن باشیم.

باز هم آنچه در تظاهرات عظیم تهران به چشم می‌خورد جای خالی تصویر آیت الله طالقانی در اطراف کرسی خطابه‌ی دانشگاه و در کنار تصویر امام بود که مردم از میان خود یکی آوردند و جای خالی را پر کردند و دیگر تصویر بزرگ آقای سید احمد خمینی فرزند مبارز امام که برای اولین بار در دست جمعیت دیده می‌شد. نمایش بود از وحدت در کثرت. وحدت در رهبری امام. ناچار قطعنامه چنین راهپیمائی‌هایی باید متناسب با موضوع دعوت باشد. انتظار می‌رفت که تهیه کنندگان قطعنامه توجه داشته باشند که یکی از نگرانیهای مردم تعدد مراکز تصمیم گیری و تعدد مراکز اعمال قدرت و مراکز اجرائی است و انتظار می‌رفت که در قطعنامه‌ی این راهپیمائی دعوتی و درخواستی در راه هماهنگی این مراکز شود درحالیکه به عکس ماده‌ی ای در انتقاد از دولت بود یعنی ماده‌ی ای مخالف آن قانون ساده‌ی ریاضی که دو چیز مساوی با چیز سوم خود مساویند. یعنی اگر مردم امام را تأیید می‌کنند و امام نیز دولت را، مردم زبان مردم و قطعنامه قاعدتاً بایستی در تأیید دولت بگردد که نگفتند، و دیگر یک ماده قطعنامه انتقاد از سازمانی بود که گفته می‌شود رئیس و مسئول آن سازمان از هیئت مدیره‌ی حزب حاکم کتاره گیری کرده است. ظاهراً برای پایدار نگهداشتن نیروی مردم دست کم باید در حدود موضوعی که برای آن دعوتشان کرده‌ای سخن بگویی و گردن همان قضیه‌ی بی‌عدم استیصال و هشتتاک از انتخابات شوراها می‌شود که در اجتماع جمع هم به آن اشاره شد. مردم می‌گیرند و از صحنه کنار می‌روند. مردم در تأیید امام حرکت می‌کنند ولی چون در انتخابات می‌بینند که به نام امام دیگرانی در پی قدرت طلبی‌ها و انحصارگرایی هستند، شرکت نمی‌کنند. اما چه می‌شود کرد وقتی عده‌ای سهم امیال شخصی را از سهم انقلاب برتر می‌شمارند و چنین کنند بزرگان چو کرد باید کارا

## عدالت انقلابی...

مظالم و فجایع و جنایات و غارتگری  
امپریالیستها ارتباطی به ملتها ندارد.

دکتر عبدالکریم لاهیجی

یا ایها الذین امنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط ولا یجر منکم شئان قوم علی الا تعدلوا اعدلو هو اقرب للتعوی (قرآن کریم، سوره مائده)

کشور ما نیست ولی قرار دادهائی هم وجود دارد که وابستگی ما را به سیاستهای سیاسی، نظامی و اقتصادی امپریالیسم جهانی حفظ میکند و تا زمانیکه فسق و لغو این

سخن ما باینجا رسید که آیا میتوانیم حصارهای پدور خود بکشیم و بگوئیم که با دیگران کاری نیست و هر چه را که به صلاح خود تشخیص میدهم بانجام برسانم؟ و برای پاسخ گویی باین سؤال باید مناسبات سیاسی - اقتصادی خود را با کشورهای خارج بویژه با غرب مورد مطالعه قرار دهیم. نظام سیاسی - اقتصادی ما در رژیم گذشته بر مبنای سلطه امپریالیسم پایه گذاری شده بود.

## انقلاب و ارزیابی عوارض شناخته و نا شناخته آن

دکتر ابوالفضل صادقیپور

آقای دکتر صادقیپور از زمره معدود اهل تحقیق و دانشگاهیانی است که مسائل انقلاب ایران را با توجه به ضوابط علمی مورد بررسی قرار داده‌اند کتاب ایشان زیر عنوان تئوری انقلاب از این جمله است و نوشته زیر نیز نظرهای عمیق و عالمانه را در زمینه مسائل پیچیده اجتماعی ناشی از انقلاب و بن بست‌های عارضی آن عرضه می‌کند.

بعد از حدود هشت ماه که از سقوط رژیم سلطنتی در ایران می‌گذرد در مسیر حرکت انقلابی جامعه تأییدهای پنهانی به چشم می‌خورد که علت آن عدم تشخیص صحیح بعضی از اجزای نظام رهبری از حرکت‌های اجتماعی و سیاسی داخلی و خارج می‌باشد. اصولاً عده‌ای در نظام رهبری به اتکالی غروضات خاصی قیصری می‌باشند و بدون

اقتصاد تک محصولی و اختصاص صادرات ما به نفت و وابستگی شدید به امپریالیسم جهانی و تبدیل کشور به بازار مصرف مصنوعات و محصولات خارجی از خصیصه‌های بارز این نظام است و در این رهگذر هزاران قرارداد سیاسی، نظامی و اقتصادی بر ملت ما تحمیل شده، قرار دادهایی که ما را نه فقط در رابطه با تکنولوژی و نیروی انسانی متخصص بلکه حتی مواد و محصولات غذایی نیازمند به خارج بویژه غرب کرده است و متناسفانه اغلب این قراردادها پس از انقلاب به قوت خود باقی مانده و نسخ نشده و شاید هم مسئولان امر ناگزیر از ادامه بعضی از این قرار دادها بوده و هستند. فسق قرار دادی که ۹۰٪ قیمت و اجرت آن از قبل پرداخت شده و ۱۰٪ موضوع قرارداد، اعم از تحویل کالا یا انجام کار، صورت نگرفته مسلماً به نفع ملت و

توجه به منطق جدید مسائل را درست نمی‌بیند. برای توجیح موضوع، در ابتدا منظور از مفاهیم مفروضات، قشری و منطق جدید که با هم در ارتباط نیز می‌باشند بیان می‌شود.

مفروضات مبرتست از مجموعه‌ای از ایده‌نولوژیهای مذهبی و منسلکی که به غروضات خاصی قیصری می‌باشند و بدون

بقیه در صفحه ۶

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۷

# بحثی در مفهوم سیاست خارجی

بقیه از صفحه اول

اجتناب ناپذیر در شرایط اجتماعی و اقتصادی داخلی با این شرایط هماهنگ میشود.

بعنوان مثال رژیم انقلابی چین بخاطر ضرورتهای اقتصادی ناشی از شرایط داخلی خود سیاست خارجیش را با جریانهای سیاسی جهانی که مخصوصا در زمینه سلاحها و صنایع سنگین بخاطر رقابت و درگیری با شوروی بر آمریکا نزدیک میشود تا جایی که وقتی اندک سوسیالیست در شیلی بدست فاشیستهای نظامی و با کمک دلارهای آمریکا سرنگون میشود چین کمونیست حکومت فاشیستی پیئوشه را برخلاف بسیاری از کشورهای جهان برسمیت میشناسد و روابط سیاسی خود را با رژیم فاشیستی شیلی حفظ میکند و با وقتی رژیم قانونی سیهانوک بدست لئون تول که عروسک آمریکائی بود در کامبوج ساقط میشود دولت شوروی همچنان رابطه سیاسی خود را در بیهوشه جنگ ویتنام با رژیم کودتای کامبوج حفظ میکند.

با وقتی دولت شوروی میلیونها تن گند و ذرت در سال از آمریکا میخرید بطوریکه مانورهای سیاسی جهانی در روابط آمریکا و شوروی جای این کمکهای حیاتی آمریکا به شوروی محفوظ میماند و با وقتی بخاطر وجود رژیمهای استبدادی احزاب چپ و متمایل به سیاست شوروی سرکوب میشوند و فضای سیاسی مانورهای شوروی از این طریق محدود و یا مسدود میشود (نظیر سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا دوران انقلاب سال ۱۳۵۷ در ایران) سیاست خارجی شوروی هرگز بر محور دشمنی با رژیم غیر قانونی استبدادی سرمایه داری ایران نمیگردد بلکه با استفاده از نقاط ضعف جغرافیائی و یا اقتصادی طرف روابط دوستانه سیاسی و بازرگانی اقتصادی برقرار میشود قراردادهای همکاری برای ایجاد تاسیساتی نظیر ذوب آهن و سیلو و لوله گاز و مسائل دیگر اقتصادی بسته میشود.

زیرا این نکته طبیعی است که منافع اقتصادی و بازرگانی و نظامی در سیاست خارجی در بسیاری از مواضع سیاست داخلی کشورها تاثیر میگذارد و حتی در خط مشی ایدئولوژیکی و مرامی و مسلکی کشورها نیز نفوذ میکند تا جایی که وقتی در رژیم فرانکوی فاشیست معدنچیان ذغال سنگ منطقه استور در جهت احقاق حقوق قانونی خود دست به اعتصاب میزنند و ذخیره ذغال سنگ اسپانیا به خطر میافتد کشتی های لهستانی کمونیست با هزاران تن ذغال سنگ بطرف اسپانیا براه میافتند آنچنان که رهبر کارگران اعتصابی اسپانیا فریاد میزند که این شکایت را بگذا باید برد که رژیم کمونیستی لهستان با فروش ذغال سنگ به رژیم فاشیستی فرانکو مبارزه پروتاری اسپانیا را در هم میکشد.

امروز رژیم کمونیستی چین از حکومت کمونیستی پل بت در کامبوج حمایت میکند درحالی که حکومت کمونیستی پل بت بدست حکومت کمونیستی ویتنام ساقط میشود و حکومت کمونیستی شوروی در برابر چین کمونیستی از رژیم کمونیستی تازه ای که طرفدار ویتنام است حمایت میکند بعبارت دیگر

سیاست خارجی چین کمونیست در منطقه جنوب شرق آسیا با سیاست خارجی ویتنام کمونیست تضاد پیدا میکند زیرا بظاهر چین کمونیست در فکر ایجاد منطقه نفوذ در این قسمت از مرزهای همجوار خویش است و ویتنام کمونیستی نیز چه برای مقابله با سیاست توسعه طلبی چین کمونیست وجهه برای ایجاد یک هندوچین واحد از کامبوج و لاوس و وایانای تایلند در زیر نفوذ خود ناچار به سوی حریفی روی میآورد که در موضع یک ابر قدرت با چین کمونیست در رقابت و نزاع شدید است یعنی حکومت کمونیستی شوروی.

و حکومت کمونیستی شوروی از وحشت نفوذ چین در مرزهای آسیائی خود تعداد ششصد و پنجاه هزار سرباز در چهل و دو لشکر مجهز به سلاحهای پیچیده در سراسر مرزهای خود با چین کمونیست بسیج کرده است.

در حالی که طبعاً این سوال اساسی برای هر کسی مطرح میشود که نزاع بین سرمایه داری و کمونیسم امری بدیهی است و قابل درک اما جدال و رقابت بین کمونیسم روسی و کمونیسم چینی چه مفهومی دارد و ناشی از چیست؟

چین کمونیست ظاهراً سرزمین های غصب شده زمان رژیم تزاری خود را از شوروی کمونیست میخواهد و شوروی کمونیست نیز بدلیل تاریخی این مالکیت را نمی پذیرد و خود را صاحب سرزمین هائی میداند که از رژیم تزارها بدست او رسیده است. اما سوال اصلی همچنان بی جواب میماند که اگر انسانها باید سرانجام در همه نقاط زمین با دست یابی به نظام کمونیستی به عدالت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی برسند و اگر انسانهای ساکن سرزمین های آسیائی شوروی که متعلق به چین است به این عدالت رسیده اند دیگر اولاً مرز و حدود جغرافیائی و سیاسی در منطق کمونیستی چه معنی دارد و ثانیاً چه فرق دارد که این عدالت را در مرزهای جغرافیائی چین کمونیست بدست آورند یا در مرزهای جغرافیائی روسیه کمونیست؟

اگر رژیم کمونیستی پل بت کمونیست است و در جهت مفاهیم عام اجتماعی و اقتصادی کمونیسم گام بر میدارد چه تفاوت دارد که زیر نفوذ چین کمونیست باشد یا طرفدار ویتنام کمونیست؟ پس مقوله انترناسیونالیسم چه میشود؟ بنابراین از توجه به این واقعیت ها به این نتیجه میرسیم که سیاست خارجی کشورها در برابر یکدیگر نه تنها در جهان سرمایه داری مبتنی بر مصالح اقتصادی و نظامی و بازرگانی داخلی است که در جمع سیاست داخلی کشورها را تشکیل میدهد بلکه در جهان کمونیستی نیز نه تنها در برابر کشورهای سرمایه داری بلکه در برابر کشورهای کمونیستی نیز بر این واقعیت ها استوار است.

روز هائی که رژیم سرپا فساد شاه مردم را در مساجد و خیابانها و دانشگاهها و بیمارستانها قتل عام می کرد در آن کشور ها مردم با ساز و نوا به استقبال شاه سابق و همسرش می روند و به آئین سنتی خود نان و نمک به آنها پیشکش می کنند و دانشگاه و رشو به مرئی که در سراسر زندگی پر از ظلم و فساد و غارت خود ابتدائی ترین حقوق انسانی مردم ایران را پایمال هوسهای فرعون خود کرد دکترائی افشاری می دهد.

این مسائل را در زمینه مسائل سیاست خارجی از این جهت باید مورد توجه قرار دهیم که بین حقیقت و واقعیت در دنیای سیاست و اقتصاد و بازرگانی و در دنیائی که عدالت و حقوق انسانی همچنان افسانه ای بیش نیست و در همین لحظاتی که این سطور را مینویسم صدها هزار انسان و کودک و وزن و مرد کمبوجی بخاطر گرسنگی و قحطی در حال نابودی هستند فاصله فاضلی وجود دارد. سرنوشت این صدها هزار انسان گرسنه و قحطی زده محصول برخورد نیرو های کمونیسم با سرمایه داری نیست بلکه نتیجه کشمکش بین خود کمونیست ها است. این کشمکش بخاطر چیست؟ طبعاً بخاطر تضادی است که بین منافع سیاسی و اقتصادی کشور های کمونیستی وجود دارد؛ وجود این تضاد در منافع است که موجب برخورد می شود و سیاست خارجی کشور ها را تحت تاثیر قرار می دهد.

وجود این منافع است که دشمن را برای کوبیدن حریف و یا نجات از فشار او بصورت دوست در می آورد؛ دوستی که دوستی او علت بنابر این سیاست خارجی هر کشور در سطح هر ایدئولوژی و هر مسلک از نفوذ این عوامل خارج نیست. بعبارت دیگر خصوصیت اصلی هر سیاست خارجی در برابر مسئولیت حفظ منافع داخلی انعطاف پذیری است.

این انعطاف پذیری طبعاً در مرز ضوابطی به اساس و اصول تشکیل دهنده سیاست داخلی طمعه زند متوقف میشود؛ یعنی سیاست خارجی در جهت تقویت و حفظ اصولی است که نظام سیاسی کشور را بوجود می آورد و در محور حفظ این اصول است که سیاست خارجی در برابر عوامل مثبت یا منفی سیاست خارجی کشور های دیگر به نسبت امکانات خود موضع گیری می کند و عکس العمل نشان می دهد؛ در تنظیم صحیح این موضع گیری است که هر کشور بین امتیازاتی که در رابطه با کشور های دیگر باید بدست آورد و امتیازاتی که باید بدهد به نفع اصولی که پایه نظام اجتماعی و سیاسی کشور خود را بر آن گذاشته است هماهنگی ایجاد می کند. در رژیمهای فاسد استبدادی که گروه حاکمه در رابطه با غارتگران بین المللی حکومت می کند اعتنائی به این هماهنگی نمی شود زیرا اصولاً سیاست داخلی این رژیمها زیر نفوذ و سلطه سیاست خارجی قدرتمندی است و خود گروه حاکمه چیزی جز وسیله غارتگری استعمارگران نیستند.

اما در رژیمهای مموکراتیک و سوسیالیستی پیشرفته صنعتی و با رژیمهای انقلابی غیر وابسته سیاست خارجی بر اساس حفظ اصول سیاسی و اجتماعی و اقتصادی داخلی تنظیم می شود و در فضائی از واقع گرایی حرکت می کند. ما در انقلاب خود از مفهوم سیاست خارجی فرهنگ بسیار فقیر و

ضعیفی از دوران طولانی اختناق و استبداد به ارث برده ایم. در کشور ما مخالفت با کمونیسم بصورت قطع هر گونه مناسبات سیاسی و اقتصادی و بازرگانی با شوروی یا کشورهای کمونیستی تلقی می شود و یا مخالفت با امپریالیسم آمریکا و غرب قطع همه روابط سیاسی و اقتصادی و بازرگانی را در بر می گیرد. در حالی که ایران از نظر سیاست جغرافیائی خود هرگز از دوستی و روابط متقابل سالم و سازنده با دولت شوروی بی نیاز نیست و از نظر سیاست اجتماعی و اقتصادی خود هرگز از روابط سالم سیاسی نمی تواند با غرب صرف نظر کند و بهمین ترتیب ایران از نظر حفظ توازن محیط سیاسی در زمینه جغرافیائی هرگز نمیتواند در وضع موجود خود از انقلاب خود خنثی فرزند و مسری برای کشورهای همسایه خود بسازد و بدست خود در مسیر منافع قشرهای ضد انقلابی داخلی و دشمنان خارجی خود را متزوی کند.

ما تا وقتی که چارچوب اجتماعی و اقتصادی سیاست داخلی خود را تنظیم و مشخص نکنیم طبعاً قادر به تعیین خطوط اساسی سیاست خارجی خود نیستیم؛ دشمنی با کمونیسم تا آنجائی که اساس روابط ما با شوروی را تحت الشعاع قرار دهد یک ساده لوحی سیاسی است که با عقل و منطق فرهنگ جهانی سیاست فاصله ای فاحش دارد. و دشمنی با سرمایه داری تا حدی که روابط سازنده و معقول ایران با سرمایه داری غرب را نادیده بگیرد نیز جز اینکه واقعیت را قربانی احساسات کیم مفهوم دیگری ندارد.

ما نمیتوانیم از انقلاب خود نظامی بوجود آوریم که متکی به سرمایه داری استعمار کننده و فقیر کننده ای باشد. که نتیجه ای جز عقب ماندگی و جهل و استبداد و اختناق و غارت اکثریت توده های محروم ایران و حاکمیت گروهی غارتگر و مستبد و وابسته به استعمار جهانی ندارد. اما این خواست تضادی با ایجاد مناسبات سالم و متقابل اقتصادی و بازرگانی و فرهنگی با غرب بشرطی که به تجدید سلطه استعمار آن بر ما منتهی نشود ندارد.

و ما نمی خواهیم از انقلاب خود نظامی بوجود آوریم که با دور شدن از اصول معنوی مذهبی از انسان مهره ساده و مطیع برای بهره کشی نیروهای او در خدمت سرمایه داری دولتی بسازد و یا این چنین با خروج از مدار یک ابرقدرت تاراج کننده به مدارا بر قدرت دیگری در آید که در حال سیاست خارجی خود را کشورهای دیگر مخصوصاً با همسایه های زیر نفوذ بر محور حفظ منافع اقتصادی و بازرگانی و نظامی خویش تنظیم می کند. پس ما چه می خواهیم و طالب چه نظامی هستیم؟

با پاسخ به این مطلب اساسی و تنظیم و اجرای خطوط اساسی این نظام اجتماعی و اقتصادی است که ما میتوانیم خطوط کلی و بنیادی سیاست خارجی خود را تنظیم کنیم و بر اساس آن شیوه های تاکتیکی و کوتاه مدت این سیاست را طرحریزی بنمائیم.

مسئله اینکه ما هم با کمونیسم مخالفیم و هم با امپریالیسم نه تنها چیزی را در زمینه سیاست خارجی ما که دارای مسائل گوناگونی است حل نمی کند بلکه خود نشان بازوری از فقدان سیاست داخلی مشخص و مورد لزومی را بر پیشانی لارد. مسئله اینکه نظام ما جمهوری اسلامی است نه مبین سیاست داخلی یعنی خطوط اساسی سیاست های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی کشور میباشد و نه متعسف سیاست خارجی ماست. یعنی روابط سیاسی و

بازرگانی و اقتصادی و فرهنگی ما با دنیای خارج. ما اکنون نمی توانیم با آمریکا و غرب سرمایه داری خطوط اصلی سیاست خارجی خود را پایه گذاری کنیم زیرا از این وحشت داریم که به گرایش به غرب متهم شویم چرا؟ برای اینکه شکل اجتماعی و اقتصادی سیاست داخلی ما معلوم نیست و نه آنچنان استحکامی در سیاست داخلی و چارچوب اصول اجتماعی و اقتصادی آن داریم که بتوانیم مناسبات خود را بر اساس آن با بلوک شرق تنظیم کنیم.

در این میان بسیاری از عناصری که اکنون در قلمرو قدرت قرار گرفته اند در تلقی مسائل اجتماعی جامعه سخت گرفتار ساده لوحی هستند و خیالی می کنند که صرف انقلاب به آنها آنچنان نیروی پیشنده است که بطور کلی نیازی به گروههای تخصصی و دانشگاهی و روشنفکری جامعه ندارند.

بازتاب این طرز تلقی برای سیاست خارجی نظیر سیاست داخلی فاجعه آساست زیرا در این تلقی ساده لوحانه و یا عمدی از سهم واقعی خود در انقلاب خواه نا خواه مملکت را در برابر تنگناهای روز افزون اقتصادی و بحرانهای سیاسی و اجتماعی و کمبودهای متنوع کشاورزی و صنعتی و نیازمندیهای نظامی در بن بست قرار میدهد که راهی جز گرایش به امپریالیسم و سازش با آن برای آنها باقی نمی ماند و این همان چیزی است که اکنون استعمارگران جهانی برای رسیدن کشور ما به حد نهائی بحران در انتظار آن نشسته اند. سیاست خارجی ما باید بر مبنای هدفهای انقلاب یعنی آزادی و استقلال و خروج از کلیه آثار استعمار و استبداد و استعمار داخلی و خارجی باشد در این محدوده اگر نظام سیاسی ایران شکل بگیرد برنامه های مختلف اقتصادی در جهت احیای بنیه تولید و هماهنگی مصرف با برنامه های عمرانی و در آمد ملی و برقراری اقتصاد صرفه جویی جهت، خود کفائی نسبی در واردات مصرفی و ایجاد زیر بنای اقتصادی صنعت و کشاورزی جهت اساسی سیاست خارجی ما را در رابطه با قدرتها و همسایگان مشخص می کند و ساده لوحی و غرور بیجا و ارزیابی های کودکانه را از بافت سیاست خارجی ایران طرد می نماید.

سیاست خارجی هر کشور از کیفیت نیروی ملی و کاربردهای آن در نظارت بر قدرت و حاکمیت اجتماعی تغذیه میشود و شکل میگیرد. واقعیت اینست که دوران طولانی وابستگی اقتصادی و

استعماری ایران به آمریکا و تولید استعمارگران غربی سیاست خارجی ما را در برابر فشارهای خارجی سخت آسیب پذیر ساخته است. با حمله های توخالی و شمارهای عصبی به امپریالیسم نمیتوانیم خطر و فشار این آسیب پذیری را از پیرامون انقلاب ایران برطرف کنیم، زیرا وجود همین وابستگی های گوناگون و تنگناهای ناشی از آن حلقه محاصره را همچنان در گرداگرد ما حفظ خواهد کرد. این حلقه محاصره شکسته نمیشود مگر جامعه در چارچوب یک برنامه سیاسی و اقتصادی و اجتماعی مشخص برای مقاومت یعنی تحمل محرومیت از سوتی و اجرای برنامه های اساسی رهایی از اسارت اقتصادی از سوی دیگر آماده شود. زیر بنای اساسی این آمادگی اینست که در ساخت نظام سیاسی ما برای همیشه قدرت سیاسی از فردو افراد به سازمانها منتقل شود، سازمانهایی که متکی به رای و انتخاب مردم باشند تا بتوانند در تنظیم ضوابط سیاسی و اقتصادی و اجتماعی هرگونه وابستگی استعماری و استثماری را از ساخت نظام سیاسی کشور ریشه کن سازند، ما هر قدر به فنییات و تصورات فلسفی و اساطیری خود در بی نیازی از فرهنگ دیگران متکی شویم و مفهوم غرب زدگی را در تخته از تجربیات فرهنگی و علمی تمدن غرب به اندازه درک و فهم خود تعبیر کنیم از قبول این واقعیت گریزی نداریم که کسانی که با تکیه بر علوم تجربی و فرهنگ علمی و فنی خود در کره ماه پیاده میشوند و ماهها در فضا برای تجسس های علمی لنگر می اندازند در مسائل انسانی و مشکلات اجتماعی و اقتصادی و راه حل های آن نیز از قهر و ناز ما ضروری نمی برند.

نگاهی به ارقام تولید اقتصادی و فرهنگی و هنری و ادبی و فلسفی و فنی و علمی آنها و مقایسه آن ارقام با ارقام تولید ما در این زمینه ها، نشان میدهد که آنها اکنون با تمام امکانات خود در عرصه عمل و تجربه و تلاشند و ما همچنان در مرحله ادعا و حرف قرار داریم. و ثابت می کند که ما هرگز از بررسی و مطالعه تجربه هائی که آنها در قرنهای گذشته اند و نتایجی که بدست آورده اند بی نیاز نیستیم، ما می خواهیم با طرح عوارض و تقایص فرهنگ و تمدن آنها برای در دست گرفتن قدرت و انحصار کردن آن خود را توجیه کنیم در حالی که درست از شکوفائی فرهنگ و راه غنی بر شدن آگاهی ها و مسئولیت های اجتماعی مردم را مسدود میکنیم.



ولقد ارسلنا رسلنا بالبينات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط

هانظوریکه ملاحظه میشود خداوند هدف و مقصود از بعثت پیامبران خویش و غرض از ارسال کتاب و نزول آیات و بینات را بر آنها اعمال و اجرای عدالت میان عامه مردم بیان فرموده است.

جمله «لایقوم الناس بالقسطه خیلی ساده و بنحویکه مردم بفهمند این حقیقت را آشکار میسازد که تمام کوشش و تلاش پیامبران و ائمه هدی و همه فلاسفه و خیر خواهان بشر بر این مهم مستقر بوده است که روابط و مناسبات در داخل اجتماع بر میزان عدل استوار باشد قطع نظر از احکام الهی و دستورات پیامبران و ائمه و فلاسفه و اهل حق و بقای جامعه مستلزم آنست که هر عنصر اجتماع در جای خود قرار داشته و از حد و مرز حقوق خود تجاوز نکند و برای شناخت حد و مرز افراد درون اجتماع است که اجرای عدالت لازم میگردد.

در این خصوص مطالعه و بررسی بسیار انجام گرفته و نظرات زیادی داده شده که آخرین آنها نظریه «فقرزاد» اجتماعی، ژان ژاک روسو میباشد مسلما خوانندگان عزیز از لحاظ تاریخی سوابق امر را خوب میدانند و نیک آگاهند که همینکه بشر کوچکترین جامعه را تشکیل میدهد محتاج به نظم و انضباط میگردد و برای نخستین بار رسوم و آداب و سپس سنت و وقایع و آنگاه قانون پاره پاره وجود میگرد.

قبل از آنکه بشر بخدای یگانه ایمان بیورد و پیامبران و رسولانی جهت هدایت او مبعوث گردند رسم و قاعده وجود میابد در این صورت واضح است که آداب آسانی نیز قسمت اعظم هدف خداوند برای قواعدهی که عدالت را مستقر گرداند قرار میدهند. میدانیم که یکی از قدیمیترین شرایع آسانی دیانت یهود میباشد این دین ضمن یکی از احکام خود چنین میگوید هر محلی که تعداد عائله یهودی آن به ده خانواده برسد میبایست یک نفر حقوق دان برای تصدی امور قضائی بین ساکنان محل انتخاب شود. همین نحو تقریباً تمام جوامع قدیم دارای نظم و قاعده و قانون و سازمان و تشکیلاتی که این نظامها را اجرا کنند بوده اند. نگارنده بسیار متأسف و متذلل و صریح تر بگویم شرمندم که در این موقع از زمان و بعد از میلهون ها کتاب و تشریح که در این باره منتشر گردیده تازه ناگزیر از توجیه ضرورت وجود حقوق و قانون و دستگاه اجرای آن میگردم من انتقاد ایراد خواننده را هر چه در اندازه تند دارم که زمان طرح این مباحث قریباً پیش بوده و اکنون برای بررسی آنها خیلی دیر است ولیکن آنچه مرا به چنین توجیهاتی ناگزیر نموده این است که ظاهراً متصدیان امر و آنانکه حل و عقد امور را بهر صورت در دست دارند ادراک و استنباط درستی از قانون و قاعده ندارند آنها قانون و قاعده را قطعاً از راه قاضی و حاکم میبایند و بر این تقدیر وضوح و صراحت آنرا در حدودیکه قاضی بتواند بر اساس آن قضایات نموده و حکم صادر کند کافی میدانند در صورتیکه چنانکه اصل کلام این است که قانون و قاعده و آنچه احکام و تکالیف

میرشمس شهشانی - دادستان تهران

آیا دادگستری و قانون لازم نیست

مربوط به سازمان قضائی اعتقاد و احترامی است که متصدیان امر و ملوک و در راس همه آنها دولت نسبت به دادگستری اعمال میکند یک ضرب المثل قدیمی که میگوید احترام امامزاده بدست متولی است بنحو کاملی ضرورت چنین احترام و اعتقادی را بیان مینماید. متولیان این امام زاده در درجه اول دولت و متصدیان امور عمومی و رجال دولتی هستند هرگاه این آقایان هر کدام بنحوی موقعبیت دادگستری را ضعیف نموده در صلاحیت عام آن تردید نمایند و احیاناً اتهام به آن وارد کنند از مردم چه بوقعی میتوان داشت؟ وقتی حاکم شرع دادگاههای

همکاران محترم به این نامه توجه فرمائید بسمه تعالی

دادستانی کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران

از نماینده دادستانی کل مستقر در فرودگاه مهرآباد به مسئولین بانک ملی فرودگاه مهرآباد محترماً بعرض میرسد، برای جلوگیری اجناس قاچاق و همچنین وارد کردن ارز بصورت قاچاق این جانب تصمیم گرفته ام که بعضی از افراد را جریمه نقدی نموده و مبلغی از پولشان را به حساب شماره ۲۰۰ ویا ۱۰۰ واریز نمایم. خواهشمند است در این مورد همکاری لازم را فرمائید.

نایبند دادستانی کل مستقر در فرودگاه مهرآباد رضالاجوردی تاریخ ۱۳۵۸/۷/۱۳

انقلابی می گوید: «هرم عزرا هم اگر به دادگستری برود هر جای خارج می شود و یا استاد گرانقدر و دوست عزیز جناب آقای نخست وزیر و سایر دولتمردان و حتی طرف یک اختلاف با آنکه شخص حرفه دانی است رسیدگی بآنها با آنکه حسب اعلام قبلی از مدیریت و احیاناً مسائلی مالی ناشی گردیده و هر دو آنها خارج از صلاحیت دادگاههای انقلاب است و با این وجود باز هم اظهار نظر رسیدگی دادگاههای انقلاب مینمایند. و با جناب آقای وزیر دادگستری که از چهره های صاف و با آبروی دادگستری میباشد و در این برهه از زمان باید مقام و موقع دادگستری را احیاء نمایند بنا به جهات و ملاطفتی از اظهار عقیده صریح در باب صلاحیت شخص خود و دادگستری امتناع مینمایند و در عین حال ملاحظه میشود که نماینده دادستان انقلاب و یک عده ننگدار بعنوان جلوگیری از قاچاق کالا و ارز در فرودگاه مهرآباد مستقر می شوند در صورتیکه از ابتدای انقلاب تا کنون

مورخ پنجمین ۲۶ مهر ماه ۵۸

و همینکه دادستان عمومی در مقام انتقاد و استیضاح این وضع برمیاید در جرایم مصاحبه میفرمایند که برای رفع کمبود اجتماعی خود سخن گفته است و من اقرار میکنم که از آنچه هم که آقای دادستان انقلاب فرمایش فرموده اند بیشتر کمبود دارم چه دادستانی که در حوزه مأموریتش مراجع و مواضع قدرت مطلق العنان و بی اعتناء بقانون مگر وجود و حضور دارد چگونه میتواند کامل و بدون کمبود باشد.

در چنین اوضاع و احوالی دیگر چه احترامی برای دادگستری و مراجع آن میتوان تصور کرد؟ دادگستری در این مملکت نفرین شده است نه رژیم سابق او را دوست میداشت و نه حکومت و دولت انقلابی نه روحانیت بان ارج مینهد و نه تکرر آنها. نه حکام شرع پاس آنرا نگاه میدارند و نه کمیته ها و مسئولین آنها. خلاصه نه فقط هیچیک از مراجع و موسسات و دولتمردان احساس احتیاج به دادگستری نمیکند بلکه چنان رفتاری نسبت به آن نشان میدهند که انسان فکر میکند اساساً آنرا دوست نمیدارند و شاید قول آندوست درست باشد که میگفت دادگستری اساساً بر خلاف طبیعت و فطرت بشری است چه انسان متعلق بهر قاره و هر نوع تربیت و سیستم فکری و ایدئولوژی که باشد میل دارد مطلق العنان زندگی کند و دادگستری این گناه را دارد که میخواهد انسان مطلق العنان را بسود هم نواند او و رای تأمین حیات اجتماعی همین انسان محدود و مقید العنان بگرداند.

اکنون بر میگرددیم باصل مطلب سخن بر سر عدالت قضائی یا اجرای عدالت در جامعه بوده که برای اجرای عدالت در درون جامعه دو نهاد مورد احتیاج است یک قانون و دیگری سازمانیکه قانون را با حسن وجه اجرا نماید و این سازمان همان دادگاهها و باصلاح دادگستری میباشد. درباره قانون و صراحت و روش آن باندازه کافی توضیح داده شد در خصوص دادگاهها و قضات آن علاوه بر آنچه گفته شد و مربوط با احترامی بود که دولت و جامعه و موسسات مملکتی میبایستی نسبت به آنها مرعی دارند یک وسیله و یک طریق که هم بقانون و هم بقاضی ارتباط پیدا میکند نیز باید وجود داشته باشد این وسیله یا طریق عبارت از وحدت اجرای قانون است که موجبات آن باید در دسترس سازمان قضائی گذاشته شود وحدت اجرای قانون عبارتست از اینکه مسائل مشابه در تمام شعب دادگاهها و در سراسر کشور بیک نحو مورد اتخاذ تصمیم واقع شود.

درست است که قضات شعب مختلف دادگاهها هر کدام مستقل بوده و بر حسب استنباط و ادراک خود رای میدهند و برای بدست آوردن حکم صحیحی مسئله ایجاد مینمایند و اجتهاد جزء طبیعت امر قضا است ولیکن چون اختلاف در اجرای مصادیق مشابه موجب عدم اعتقاد در وجدان افراد نسبت بقاضی و قانون یا هر دو میشود و این از مضرتترین عوارض برای اجرای عدالت میباشد لذا در حقوق شرعی و عرفی ما از قدیم الایام راه و طریقی برای جلوگیری از این تغایر و تناقض اتخاذ گشته است.

۱ - طریقه حقوق شرعی - راه حلی که در شریعت مقدس اسلام برای این مسئله اتخاذ گردیده عبارت از واجماع است

اجماع - برای جلوگیری از تعارض و تناقض در مورد مسائل مشابه میباید باین توضیح که هر گاه مسئله ای در قرآن و سنت وجود نداشته باشد یا باندازه کافی صریح و روشن نباشد نظریه ای که در مورد آن مسئله تمامی علماء و فقهای زمان به اتفاق اتخاذ نمایند حجت است و بنا باخبار و احادیث حکم شرعی است و لذا ملاحظه می شود که با آنکه اجتهاد و استنباط در شریعت مقدس اسلام ساری و جاری است و لیکن در آنجا که موضوع مربوط بحق الله یا حق الناس میگردد حاکم نمیتواند با اتکاء باجتهاد فردی خود حکمی صادر کند که مغایر و متضاد با احکام حکام دیگر باشد و از اینجا نا صواب بودن بعضی احکام متناقض دادگاههای انقلاب و هم نا موجه بودن دلایل توجیه کنندگان آن احکام روشن میگردد.

۲ - طریقه حقوق عرفی - طریقی را که حقوق عرفی، برای جلوگیری از تعارض و تناقض احکام اتخاذ نموده عیناً همان طریق اجماع است و این طریق که بموجب قانون مصوب ۷ تیرماه ۱۳۲۸ نام آن «وحدت رویه قضائی بخود گرفته عبارتست از اینکه هر گاه در شعب دیوانعالی کشور سبب بعبود مشابه رویه های مختلف اتخاذ شده باشد هیئت عمومی دیوانعالی کشور... موضوع مختلف فیه را بررسی کرده... نسبت بان اتخاذ نظر مینماید... نظر هیئت مزبور برای شعب دیوانعالی کشور و برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است» خلاصه برای آنکه عدل و قسط در جامعه حکمفرما باشد و افراد اجماع در درون جامعه در حدود مرز خود قرار داشته باشند اولاً بقوانین صریح و روشن که حقوق و تکالیف احاد مردم در آن بروشنی و ثبات بیان شده باشد نیازمند میبایست ثبات قضات محاکم غیر از اوصاف عدالت و بیطرفی و شجاعت مسائل اجتماعی و اطلاعات علمی در بالاترین مراتب آن، میبایست معتقد به تربیت قضایی عامه و وجود اعتقاد و احترام در روح و قلب احاد ناس بوده، مطلقاً از استبداد رای ولو بعنوان اجتهاد و یا هر عنوان دیگر مبری باشند اینکه هر نوع لعاب و یا فشاری در نظر علمی ولد بعنوان اجتهاد «استبداد رای» توجیه گردید مربوط بعضی و مفهوم اجتهاد است چه اجتهاد عبارتست از تلاش و کوشش برای بدست آوردن حکم صحیح مسئله و باصلاح متشرعان ملکه ای است که بکمک آن حکم قضایی و مسائل تازه یا مسائل مشکل بدست میاید بنابراین تلاش و کوشش مرقوم و نهایتاً اتخاذ نظر مادام که با عقاید اجماع محققان بر خورد نموده بسیار پسندیده و ممتاز میباشد ولی همینکه در جمع محققان یا مجتهدان، اقلیت عنایت بتوجهات عقلی و منطقی اکثریت نکند، استبداد رای مطرح میشود. چه مسئله هر اندازه پیچیده و مشکل باشد اصولاً یک پاسخ صحیح بیشتر ندارد و پاسخ صحیح عموماً نظریه اکثریت محققان اثرشده است و از آنجا که مسائل حقوقی خارج از این قاعده نمیتواند باشد و در علمیت این مسائل تردید جایز نیست لذا هر فردیکه با وجود نظریه علمی اکثریت باز هم معصر در نظر خود باشد مستبدالرای و عاشق نظرات خویش بحساب میاید، و بهر تقدیر تأمین وحدت اجرای قانون از طریق وحدت رویه قضائی و یا اجماع و یا بهر شکل و عنوان دیگر که ممکن و سهل الحصول باشد باید مراعات شود

۱ - طریقه حقوق شرعی - راه حلی که در شریعت مقدس اسلام برای این مسئله اتخاذ گردیده عبارت از واجماع است

گامهای پر سه خواب سبزه زاران را میآشوبد وخیل پروانگان هراسان، بمانتی دیگر کوچ میکنند. رود، با سینه ای پاره از صلابت صخره ها شتاب را در خویش به آسوی آرامش میبرد تراوش الماسگون جبابها پاران نوازش خزه هاست. اینجا که تب و تاب آب در پهنه های برکه وار مسیر فرو می نشیند ماهیان سرگردان جولانگاه دلخواه توده های انبوه «سیاوشان» پر کهن ریشه ی چناران اهنگ خاموش رویش را

در غلغل موجها سرتکانی ملایم ساقه های جوان ابرشم نسیم را بیادگار میگیرد انسان آرام که چهره ی آب بخنده ای ناپیدا شکوفا نشود. کوه، چون مشت گره کرده ی عصیان سرفراز و استوار آوازهای رهایی را بخود میخواند شاید

میسرایند

در پیچ آخر قله پلنگ گرسنه گله ی بز کوهی را نشان کرده باشد و شاید بز کوهی نوسال بی خیال در رویای جفت گمشده غرقست

با چراغان میوه ها شاخساران را آذین بسته اند تیغکهای تشنگ وحشی هماغوش خوشه های اغواگر کمینگاه دستهای ناباور آرزویند خدای من! چه هوایی! سرشار

دیدگان خسته از ماجرا را به زلال جاری میسپاری تا نقشهای ناخوشایند را در ترانه های روشن امواج فرو شویند اما، نهن آزرده پای از دایره ی فراموشی بیرون می نهد - شلیک دود آتش فریاد

شعر سپید دره دالاهو جواد محبت

کلام آخر / بر لب دارد

آواز پرند عاشق دعوت به رجعت را صلابت دوباره است چرا نیاموزیم؟ زندگی را، از رود عشق را، از پرند امید را، از درخت و ایمان را از شهید...

۱۳۵۸/۷/۷



# عدالت انقلابی

بقیه از صفحه اول

اندسته از قرار دادها که بنفع ملت ما نبوده و یا نباشد لغو شده و یا لغو خواهند شد. قرار دادهای ۱۵ میلیارد مارکی انرژی اتمی و قرار داد ۵ میلیارد مارکی زیر دریایی اتمی بهیچوجه منافع ملت ما را در بر نداشته و خارج از استراتژی صنعتی و نظامی ما است. اگر این سخنان در مورد قرار دادهای نظامی، اقتصادی و سیاسی ما با سایر کشورها صادق باشد پس هنوز قرار دادهای بسیاری وجود دارد که به نفع ملت و کشور ما نیست و باید فسخ شود. سخنوری دولت اضافه میکند «در عین اینکه باین رشته از صنعت و تجهیزات نظامی نیاز نداریم، آماده هستیم تکنولوژی کشاورزی و شاخه های دیگر از صنایع مادر را خریداری کنیم و مقامات دو کشور به توافق رسیدند که هیات مسی مرکب از متخصصین اقتصادی و صنعتی دو کشور در آینده نزدیک گرد آیند و جزئیاتی را مورد بررسی قرار دهند» در باره نفت میگوید نفت باید به عنوان حربه سیاسی باقی بماند و میزان صدور و قیمت آن و تعیین خریداران کاملا در اختیار مسئولان دولت ایران خواهد بود و حقیقت قضیه اینکه طی هشت ماهی که از پیروزی انقلاب میگذرد قسمت اعظم این نفت به کشورهای غرب فروخته شده است. پس اقتصاد ما کماکان وابسته به غرب است. درآمد نفت از میراثی غرب تحصیل میشود در تکنولوژی و صنعت نیازمند به غرب هستیم، اغلب محصولات و مواد غذایی ما از غرب میآید و دائم به ما در غرب زدگی میزنند و دیگرانی را که هیچگونه دخالتی در ایجاد و ادامه این جنبه چینی غربی ندارند به باد تهمت و ناسزا میگیریم از آنها بعنوان حامیان غرب نام میبریم. داستان شب سرد زمستان و باد و بوران و فقدان پوشش و روانداز کافی را که بخاطر دارید که وقتی پالان را به امیر پیشنهاد کردند گفت

عمومی است که جنایات دیکتاتورهای ایران و نیکارگوته و شولی و ارژانتین و آفریقای مرکزی را افشاء میکند. وقتی در یک گروه ملی بین المللی حقوقدانان ۳۰ کشور باطلان قرار دادهای کمپ دیوید را اعلام میدارند و توطئه ای را که بدستبازی آمریکا و اسرائیل و مصر در منطقه در شرف تکوین است فاش میسازند و طرفه اینکه حقوقدانان آمریکا و اسرائیل و مصر هم در این واکنش بین المللی شرکت و دخالت دارند دوگانگی دولتها و ملت ها، سیاستهای استعماری و هم بستگی خلقها بوضوح دیده میشود. مظالم و فجایع و غارتگری امپریالیستها ارتباطی بمنتهای ندارد و بحکم اصل «مالا پدراک کله لا پتیرک کله» ارتکاب هر عملی را از طرف ما مجاز نمیدارد. مگر نه اینکه ما مدعی هستیم می خواهیم طرحی نو در اندازیم و در پی تاسیس نظامی مبتنی بر عدل و قسط اسلامی هستیم پس چرا برای توجیه اعمالمان به مفاسد و جنایات دیگران متشبث میشویم؟

چرا ازمان که از اعدای بی رویه، خونت، بد رفتاری، سلب حق دفاع، نبود آزادیها تا ما متوال میشود کشتار مردم بیگانه در کامبوج و فلسطین و لبنان و اریتره توسط جهانخواران را توجیهی برای مظالم خود عنوان میکنیم؟

فرض که مجامع بین المللی و محافل مدافع حقوق بشر نسبت باعمال جنایتکارانه امپریالیستها اعتراض نکردند آیا این امر قبح اقدامات ما را زائل میکند؟ در مذاکرات سخنگوی دولت ایران ویلی برانت صدر اعظم پیشین آلمان غربی قطعنامه اخیر شورای پارلمانی اروپا که در آن ۱۸ کشور اروپایی ایران را به نقض حقوق بشر متهم کرده اند مطرح شده است. ما میدانیم که امپریالیسم جهانی نظر مساعدی نسبت به انقلاب ایران ندارد میدانیم که تبلیغات وسیعی از طرف محافل صهیونیستی علیه انقلاب ما شروع شده و مشغول سم پراکنی هستند و می دانیم که این محافل

در شبکه وسایل ارتباط جمعی در سطح بین المللی نفوذ بسیار دارند و باز می دانیم که منافع کشورهای غربی به مخاطره افتاده و بحصل که دیگر نتوانند بهرکت قراردادهای استعماری تحمیلی بملت ایران ۹۰ میلیارد دلار به جیب بزنند و شاید تمام این علل وجهات در صدور قطعنامه شورای پارلمان اروپا بی تاثیر نبوده و آنها واقعا قصد قربت و حسن نیت ندانند و بینه حقوق بشر از لویه منافع ملت های خویش توجیه داشته اند ولی مساله اساسی اینست که آیا حقوق بشر در ایران نقض شده است یا خیر؟ نقض حقوق بشر در بسیاری از سیستمها و کشورها حسب گزارشهای مجامع سازمانهای بین المللی امری است حسی و مسلم ولی این امر از گناه ما نیستی گناه وقتی که به انسانی حق دفاع داده نمیشود وقتی بین زمان دستگیری تا صدور حکم اعدام ساعتی بیش فاصله نیست و وقتی به صرف سوءظن انسانی بازداشت میشود و ماهها در بند میماند وقتی توطئه های بسیاری برای طرد مخالفین از عرصه سیاست و مبارزه شکل میگیرد و مقامات قضائی هم بخدمت گرفته میشوند، وقتی آزادیها در پوتنه اجمال و فراموشی میماند این اعمال رفتار در هر سیستمی و در هر نظام و مکتبی بعنوان اعمال خلاف آزادی و حیثیت و شرافست و امنیت انسان قلمداد میشود این زمان میتوان ادعا کرد که در جامعه ای آزادی وجود دارد که آزادیها مورد رعایت و حمایت مسئولان امور باشد و ضمانت اجراء آزادیها توسط قوه قضائیه اعمال میشود وقوه قضائیه طی دوران پس از انقلاب در رابطه با تامین و تقسیم آزادیها و حقوق فردی و اجتماعی مردم نقضی نداشته و تمام صلاحیت ها بدست اسراها و دادگاههای انقلاب اسلامی و حکام شرع تفویض شده است و این مردم هستند که باید کارنامه شاد و شادمانه این مراجع را مورد تأیید و تصویب قرار دهند. داستان کل انقلاب اسلامی در مصاحبه اخیر خود اعلام کرد که در زندان اوین ۶۷۳ نفر زندانی هستند و هوشن برشمرن برخی از اتهامات

منحرف ساختند کتر از عمل سرباز با پاسبان مستضعفی است که روی عدم شناخت نظام جابر مستکبر، با بر اثر فقر مادی و تنگدستی باستثمار نظام در میآید و در حالت اضطرار و کرب و اجبار معنوی بروی مردم شلیک میکند؟

و هر چند که رهبر انقلاب میگوید «ساواکی ها پیش من محترم تر از آخوندهای فاسدند و من نسبت باخوندهای فاسد آنقدر شدید هستم که نسبت بسایر مردم نیستم» در آماری که داستان انقلاب اسلامی از زندانیان زندان اوین می دهد در ازای ۴۶ نفر ساواکی حتی نام یک تن از این آخوندهای فاسد دیده نمی شود. آیا همه توبه کردند و شدند «عابد و زاهد و مسلمانان» و چرا باب توبه برای آن دختر ۱۷ ساله مصروع به شهری که به جرم زنا تیرباران شد مفتوح نیست و توبه هم برای خواص است! وقتی مردم می بینند که غارتگران بیت المال و مظالم فساد و تباهی از زندان رها می شوند و متصدی وقت دادرسی انقلاب اسلامی در توجیه عملش مردم را به سوداگری و مال آندوزی و تکاثر تشویق می کند و آنگه شیعه را به عنوان سرمایه دار و میلیونر معرفی مینماید و در عین حال دستگاه قضائی ما هر ماهه دهها طفل خرسال را به جرم جیب پری و زدنی به زندان میاندازد انتظار داریم نفوذ و اعتبار مفاهیم مردم فریبی چون عدالت و قسط و مساوات را پیرامو استوار باقی بماند. وقتی که ما بدوران مجازات قبیله ای و خانوادگی رجعت کرده ایم و به مجرد اینکه کسی در مظان اتهام قرار گرفت بخانه و کاشانه او هجوم می آورند و انواع محدودیتها و تضییقات را برای خانواده و اقوامش فراهم می کنند و حتی کسانش را بگروگان می گیرند و اموال بستگان متمم توقیف و مصادره می شود دیگر محلی برای رعایت حقوق و آزادیهای مردم و حرمت اصل برائی واصل شخصی بودن مجازات باقی نمی ماند و مردم همواره در جری از عدم امنیت و هراس و تشویش بسر میبرند و هر روز بیش از پیش از دستگاه عدالت

بقیه از صفحه ۴

# حقوق و اخلاق

دلیل سوگند خوردن مدعی یا مخالفت با اعتبار قضیه محکوم بها قابل طرح نیست

ولی این نظریه امروز طرفداری ندارد زیرا، وقتی قانونگذار از صاحب حق حمایت نکند و دعوی او را نپذیرفت، دیگر نمی توان ادعا کرد که از نظر حقوقی مدعی باطلی مانده است، و اراده بدکار نیز بدکار باطله با احماد آن نیست. بخصوص، در مورد سوگند خوردن بدکار و مضطرب شدن دعوی، فرض می شود که هیچ حلی وجود ندارد پس چگونه می توان تصور کرد که اقدام بدکار در پرداختن دین، براند فرض قانون را، که با نظم عمومی ارتباط نزدیک دارد از بین ببرد.

در هر مورد که شخص در وجدان خود دینی در برابر دیگری احساس کند، و بنظیر وفای بعهده مالی دیگری بپردازد حق استرداد آن را ندارد یعنی هرگاه در هر مورد که شخص در وجدان خود دینی در برابر دیگری احساس کند، و بنظیر وفای بعهده مالی دیگری بپردازد حق استرداد آن را ندارد یعنی هرگاه در هر مورد که شخص در وجدان خود دینی در برابر دیگری احساس کند، و بنظیر وفای بعهده مالی دیگری بپردازد حق استرداد آن را ندارد یعنی هرگاه

## حقوق کیفری:

بیشتر جرایم خلاف اخلاق حسنه است. با اینکه تعیین جرم مجازات تنها بوسیله قانون ممکن است (مصاد ۶۰۷ قانون مجازات عمومی) و اخلاق بطور مستقیم درین راه دخالت ندارد ولی سفته بزرگی از قوانین کیفری از قواعد اخلاق معارض شده است. آدم کشی، زدی، کلاهبرداری، خیانت بر امانت و هتک ناموس و مانند اینها، از اصالت منافی اخلاق است که بوسیله قانون منع شده، و درجه بندی بعضی جرایم بر حسب عدد و شبه عدد و غیر عدد بودن، لزوم سزای مجرم و معالجت او از مجازات در طراح مشروط، از نشانه های نفوذ اخلاق در اینگونه قوانین است.

محاکم کیفری، با اختیار وسیعی که در تعیین مجازات و ارضایی ازگان جرم به آنها داده شده است، همیشه سعی می دارند عدالت را در اجرای قانون رعایت کنند و از ظلمی آن بکاهدند. دافرس تمام چندهای اخلاقی و اجتماعی جرم را در نظر می گیرد درجه سزای و حالات روانی و محیط زندگی مجرم و رابطه او را با منجی علیه بحساب میآورد، و به مجازاتی که عادلانه

مجازات معین می کند. با آنکه تشدید دعوی بسبب مرور زمان خلاف اخلاق است، بخاطر پابان دادن به دعوی که بخواهد ارشاد برانجام، حقوق آن را مجوز میسر اخلاق حکم می کند که تواتر ازخویش مستمند خود دستگیری کند، ولی حقوق ازام بانفاق را تنها میان افرادی در خط مستقیم مقرر کرده است. ۱۹

باضافه، هر دولتی، برای اداره درست جامعه، نیازمند بسزایانها و قواعد خاصی است که با اخلاق ارتباط ندارد مانند تعداد وزارتخانه ها، صلاحیت دادگاهها، مقررات انتظامی شهرهای و شهرداری، طرز تنظیم اسناد تشریفات ورود و صدور کالاهای، گرفتن پاره ای عوارض و مالیاتها... و نظایر اینها. حقوق از تعامل میان قواعد اخلاق و ضرورت های عملی برآمده می آید، و رابطه آن با اخلاق بسن دو دایره ای است که در پاره ای نقاط یکدیگر را قطع میکنند.

- ۱- دل و کبیر: فلسفه حقوق، ص ۲۶۵-۲۶۰
- دو پاکه: مقدمه نظریه عمومی و فلسفه حقوق شماره ۲۶۵. و در مورد نظریه رابطه حقوقی شخصی، شماره ۱۶۲-۱۶۱-۱۶۰
- نظریه عمومی حقوق ص ۹۲-۹۱-۹۰
- گورویچ، فکر حقوق اجتماعی، ص ۱۰۵ (تقل از زر) - گورویچ، جامعه شناسی حقوقی، رساله جامعه شناسی، ج ۲، ص ۱۸۸
- ۲- زر: نظریه عمومی حقوق، ص ۹۲ و ۹۱-۹۰-۸۹-۸۸-۸۷-۸۶-۸۵-۸۴-۸۳-۸۲-۸۱-۸۰-۷۹-۷۸-۷۷-۷۶-۷۵-۷۴-۷۳-۷۲-۷۱-۷۰-۶۹-۶۸-۶۷-۶۶-۶۵-۶۴-۶۳-۶۲-۶۱-۶۰-۵۹-۵۸-۵۷-۵۶-۵۵-۵۴-۵۳-۵۲-۵۱-۵۰-۴۹-۴۸-۴۷-۴۶-۴۵-۴۴-۴۳-۴۲-۴۱-۴۰-۳۹-۳۸-۳۷-۳۶-۳۵-۳۴-۳۳-۳۲-۳۱-۳۰-۲۹-۲۸-۲۷-۲۶-۲۵-۲۴-۲۳-۲۲-۲۱-۲۰-۱۹-۱۸-۱۷-۱۶-۱۵-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱
- ۳- زر: نظریه عمومی حقوق، شماره ۶
- ۴- نقل از دل و کبیر: فلسفه حقوق، ترجمه فرانسه، ص ۲۷۶
- ۵- رویه: نظریه عمومی حقوق، ص ۲۷-۲۶-۲۵-۲۴-۲۳-۲۲-۲۱-۲۰-۱۹-۱۸-۱۷-۱۶-۱۵-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱

- ۱۲- این رابطه نزدیک را مکتبهای مادی، و بخصوص کسانی که حقوق را تنها تابع تحولات و وقایع اقتصادی میدانند منکر شده اند. در برابر آنها، بسیاری از جامعه شناسان، که مبنای مشترک حقوق را اخلاق و مصلحت و رسوم اجتماعی دانسته اند، تفاوتی بین این دو دسته نمی بینند.
- ۱۵- برای مطالعه مباحث فرائد اخلاقی در تعهدات مدنی، رجوع شود بکتاب «قواعد اخلاقی در تعهدات مدنی» نوشته رهبر استاد فرانسوی، پاریس ۱۹۲۹.
- ۱۶- این دو قاعده در ماده ۱۳۲ قانون مدنی بدین عبارت تلقیف شده است: «کسی نمی تواند در عمل خود تصرفی کند که مستلزم تقصیر صیایه شود مگر تصرفی که بقدر متعارف و برای رفع حاجت یا دفع ضرر از خود باشد» و مدرک بیشتر خیارات فسخ معامله، مانند خیاری عیب و تبیض صفت و تدلیس، قاعده لاضرر است.
- ۱۷- ابری زور: ج ۴ - بخش ۲۹۷ - بودی لاکانتیوری و بارید تعهدات، ج ۲، شماره ۱۶۵۲ - بند - بردن ولوروی زونیا ج ۸، شماره ۶۷۲ - بند
- ۱۸- پیتول و روبروسان: ج ۷، شماره ۹۸۲ - رهبر: قاعده اخلاقی در تعهدات مدنی، شماره ۱۹۲ - مازو: فرس حقوق مدنی، ج ۱، شماره ۳۲۲ - ملرتی و ریون: ج ۱، شماره ۳۷۷
- ۱۹- هل اسن: مقام حقوق در زندگی اجتماعی (مقدمه در مطالعه حقوق من ۱۳۳ و ۱۳۲) - دو پاکه: شماره ۲۶۶
- ۲۰- مگر اینکه ادعا شود که اطاعت از قوانین و دولت مشروط از قواعد اخلاقی است. زیرا درین صورت هیچ تفاوتی میان اخلاق و حقوق باقی نمی ماند (دو پاکه: مقدمه نظریه عمومی و فلسفه حقوق، شماره ۲۶۶) - گورن استاد آلمانی، حتی مقررات رادستای و راندنگی را که بطور معمول برای مثال درباره قواعد خارج از قلمرو اخلاق گفته می شود در قالب اخلاقی می آورد.



# انقلاب و ارزیابی

بقیه از صفحه اول

تفکرات و رفتارهای فرهنگی مردم. مثلا اختلاف در رفتار و گفتار یک انسان مذهبی با رفتار و گفتار یک انسان غیرمذهبی ناشی از مفروضات آنان است. اینکه می بینیم فردی درستکار و با تقوی است و دیگری فاسد و تهکار، به علت مفروضات مختلفی است که هر یک دارد. هستند.

فقری کسی است که با ملاحظه جزئی یا بعضی از یک پدیده و یا تصب به مفروضات خاصی تصور کند که کل پدیده را دیده است و براساس جزء نتیجه گیری نسبت به کل کند.

بهترین مثال المراد فشری آن چهارگویی می ماند که هر یک جزئی (عاج) وپا و تنه و دم) از قبل را لیس کردند و تصور کردند که تمام قبل را شناخته اند. در این بحث فشری با یک پدیده کسی است که یکی از علل انقلاب را ملاحظه کند و آن بجز از تنها عامل انقلاب بداند.

منطق جدید اصولا در برابر منطق استدلالی قدیم منطق تجربی ظاهر شد. پیشرفتهای علمی و تکنولوژیکی قرون اخیر ناشی از راهی از منطق قدیم و توسل به منطق تجربی می باشد منطق استدلالی که اساسا مبتنی بر منطق ارسطو است در دوران قرون وسطی به ابدال کشیده شد زیرا الگوی فکری آنها بحث و ارتجاع بود.

منطق جدید را که منطق سیستمی یا مجموعه نگری نیز میتوان نامید ضمن استفاده از استدلال، متکی به تجربه و تحقیق است و هر پدیده را به صورت یک مجموعه واحد که دارای اجزای بهم پیوسته است و خود مجموعه جزئی از یک مجموعه با سیستم بزرگتر و در ارتباط با آن میباشد. ملاحظه میکند از شرایط دیگر منطق جدید قبول این اصول است که انسان دارای محدودیت فکری است و هیچ فردی عقل کل نیست و همچنین هر انسانی گرفتار فشری از تصب و مفروضات شخصی است که هنگام بررسی و قضاوت نسبت به پدیده های خارجی میبایستی از این عقاید خود آگاهی داشته باشد.

با توجه به این منطق، انقلاب ایران پدیده ای است که علل شکل دهنده آن گوناگون و در ارتباط با یک حرکت جهانی میباشد و برای شناخت دقیق تر علل و اسباب آن بایستی با توجه به روشهای علمی و آمار و تحقیق اطلاعات جامعی کسب و در محدوده همان اطلاعات ادعا کرد ارتباط اسلام با انقلاب از این جهت است که روحانیت یا رهبری مذهبی سهم بیشتری در ایجاد تشکل گروهها و تحریک احسانات داشت و به احترام رهبر انقلاب که شخصیتی مذهبی دارد انقلاب را اسلامی نامیدند و حتی نویسنده به علل مختلفی عنوان انقلاب سرخ اسلامی را جهت انقلاب ایران برگزید (برای اطلاع بیشتر به کتاب تئوری انقلاب با نظری به انقلاب سرخ اسلامی ایران به قلم نویسنده مراجعه شود).

پیشرفتهای علمی و تکنولوژیکی در قرن اخیر است می شوند. در قرون قدیم افرادی چون ارسطو، افلاطون، ابن سینا و از این لیل دارای معلومات جامعی در تمام مسایل بودند. مثلا اطلاعاتی نسبتا کافی در باره ریاضیات، پزشکی، نجوم، سیاست و از این قبیل دارا بودند. گسترش دانش و پیچیدگی مسایل به حدی رسیده است که هیچ فردی نیست که حتی در یکی از رشته های اصلی دارای دانش کاملی باشد و به همین علت هر رشته اصلی به رشته های فرعی تقسیم شده است. مثلا انشعاباتی که در علم حقوق و یا پزشکی به وجود آمده است ناشی از همین توسعه می باشد. با توجه به اصل تخصص میبایستی قبول کرد که حکومت و اداره نیز یک امر نسبتا تخصصی است که احتیاج به دانش و تجربه دارد. اصولا دانش بشری به صورت یک مجموعه واحدی است که در پیچیدگی و در آن به صورت هماهنگ شکل گرفته است. یعنی اینکه به همان نسبت که در علم پزشکی پیشرفت حاصل شده است دانش مربوط به الکترونیک، مکانیک، داروسازی، سیاست و اداره نیز تحول و پیشرفت بوجود آمده است.

عدم توجه به این اصل باعث شده است که بعضی از افراد بی تجربه و بی دانش سیاسی در لباس روحانیت و غیر روحانیت و مقام رسمی در مسایل پیچیده داخلی و خارجی اظهار نظر کنند و به بار این دولت لنگانگان بیفزایند. لازم به توضیح است منظور از ارائه این بحث این نیست که حتما تمام اجزای نظام رهبری بایستی تخصص در سیاست و اداره داشته باشند، بلکه قبول اصل تخصص از جانب آنان کالیست، چون نتیجه می شود که لاقیل به نظر اهل فن گوش فرادهند و به آگاهی کلی خود اکتفا نکنند.

عدم آگاهی از دانش اجتماعی و سیاسی بسیاری از اجزای نظام رهبری باعث بروز مشکلات بزرگی شده است و حتی این عدم آگاهی باعث بروز مشکلاتی می شود که فعلا دوران ماضی خود را می گذراند که نمونه بارز آن نحوه و محتوای مصوبات مربوط به قانون اساسی است. بسیاری هنوز تشخیص نمی دهند که اجزای قانون حتی اگر قانون اساسی باشد شرایط اجتماعی لازم را می خواهد. اگر بدون توجه به زمینه اجتماعی قانونی تصویب شود که بعضی از اجزای آن زمینه اجتماعی نداشته باشد کمال قانون خشنه دلم می شود و از اعتبار می افتد.

با ملاحظه اینکه هر نوع اشتباه حسی جزئی در شروع حرکت جامعه در شکل جدید خود آثار سنگینی خواهد داشت، نگرانی از این باب است که خطا در مفروضات باعث می شود که شکافی بین نظام رهبری و جامعه انقلابی ایجاد و کم کم گسترش یابد. در این صورت بروز مخالفتها توسعه می یابد و مکتب اسلام بیش از انقلاب در خطر قرار می گیرد. از باب اصل انقلاب نگرانی نیست چون آنان که انقلاب کردند و برای هدفهای خود آگاه و بلندادگاه خود مبارزه کردند تا حصول آن آرام نمی نشینند. بر خلاف تصور بعضی از اجزای نظام رهبری این مردم انقلاب کردند تا آزادی بیشتر، اختلاف طبقاتی کمتر، مسکن، بهداشت، آموزش غذای بهتر و هوای تمیزتر به دست آورند. هر کس در این مورد شک دارد زحمتی بکشد و نداند اسب را بشمارد یعنی اینکه بر اساس یک روش علمی، تحلیلی در سطح جامعه بنماید.

آثار چنین مفروضاتی باعث می شود که قبل از آنکه جنبه ملی بودن انقلاب رعایت شود به صورت شعار بین المللی در آید و پیش از آنکه آثار مفید انقلاب به دست افراد برسد، استعمارگران با تجربه با زمینه سازی لازم توسط عوامل خود جامعه ما را در گرداب حوادث بین المللی دچار مشکلاتی می نمایند. برای حکومت انقلابی ما این امر ضروری نیست که فقط مسلمان بودن مردم اولر له فلسطین را مستحک قرار ده و به آنان کمک کند. در صورتی که امکان باشد وظیفه انسانی حکم می کند که به کمک هر گروه انسانی که مورد ستم قرار گرفته باشیم حتی اگر مسلمان نباشند. شاید در طول تاریخ این جمله برای اولین بار باشد که روحانیت با قدرت بسیار وشکره و بلائی خاص اهمیت و جوی خود را آشکار کرد چنانچه روحانیت آرام آرام خود را از متن بازیها و رفتارهای سیاسی که آلودگی بسیار دارد به حاشیه بکشد نه فقط روحانیت را نجات دهد است بلکه به صورت همسان جرمول هدفهای انقلاب که

عقل و آرای است و با هدفهای اسلامی نیز مطابقت دارد اینهای نقش خواهد کرد زیرا به علت وحشت از قیام مردم به رهبری روحانیت، هیچ رئیس جمهور، نخست وزیر و یا فرمانده نظامی به خود اجازه نخواهد داد که با تمرکز قدرت در دست خود رژیم استبدادی بیا کند. جامعه ای که فرهنگ دو هزار و پانصد ساله دیکتاتوری داشته بسیار آسیب پذیر است. چنانچه قدرت روحانیت با آلوده شدن به سیاست و دنیای مادی و فساد تصحیف شود دیگر نیروی نیست که جایگزین آن شود. آنانکه دچار غرور قدرت شده اند و با الگوهای الهی در پی حقیقت اند خیلی زود گرفتار واقعتهای اجتماعی می شوند و متوجه می شوند که واقعیت غیر از حقیقت است. حق الهی الهی است و واقعیت یک پدیده دنیوی است.

نکته دیگر اینکه افرادی که با نحوه آموزش و پرورش در سطح روحانیت آگاهی دارند به خوبی می دانند که اخوند پیش از هر نوع سیستم آموزشی، آزاده و مستقل باز آمده است. آنان سلسله مراتب پذیر نیستند و در زمانیکه افراد جامعه بایستی دوران پذیرش و انجماد ضوابط جدید را بگذرانند این خلق و خوی باعث بروز مشکلاتی بنهایی خواهد شد.

دریغ است جنبه اسلامی که به علت شریعتی تقویت شده است و می تواند عامل مهمی در تزکیه اخلاقی اجتماعی باشد. بی جهت تصحیف شود. این را باید دانست که بزرگترین ضرر اجتماعی از دوران گذشته سقوط اخلاقی است که دچار آن شده ایم نه تروتهای بی گران که به خارج منتقل کردند.

بهر حال بایستی توجه داشت که ممکن است افرادی یافت شوند که مصداق مؤلفی زشت آواز مندرج در کتاب مثنوی مولوی باشند.

خلاصه داستان به این صورت است که

## عدالت انقلابی

بقیه از صفحه ۵

نمیکنند بلکه مسئولیت و رسالت سنگینتری را بر عهده ما می گذارد. سال گذشته در چنین روزهای سیل خبرنگاران خارجی بکنکور ما سرازیر بود همه با شور و اشتیاق و کنجکاو زایدالوصفی می خواستند از ویژه گیهای انقلاب ما سر در آورند. میگفتند آنچه که در جامعه شما میگذرد در نوع خود بی نظیر است و هیچ انقلابی از چنین پشتوانه ای از عشق و ایمان و ایثار و شهادت بهره نگرفته است. در راه پیما آنها با ما شرکت میکردند، اشک از چشمانشان سرازیر بود، چند نفر از آنها تیر خوردند و یک خبرنگار کشته

شده که برای حقوق مردم ارزش و اعتباری قائل نیست، و یقین دارم که ربابندگان با آن مرد نکون بحث عدالت و شخصی و خصوصی نداشته اند بلکه چون مجازات مقرر از طرف دادگاه را مناسب با اعمال و اتهامات او نمی دانسته اند خود در مقام تعیین کیفر و مجازات برآمده اند و خود را مصحق بر این امر می دانستند زیرا که دادگستری و داوری آن مرجع را باور نداشته اند و جالب اینجاست که هم دادگاه عنوانش دادگاه اسلامی است و هم گروه معترض به حکم دادگاه آنها که دیگر تهمت و افتراء و دروغ پردازی مطبوعات خارجی نیست. واقعیاتی است که با تمام زشتی و تلخی در متن جامعه ما وجود دارد و ما بجای اینکه به رفع این معایب و نقائص برائیم به مجرد اینکه انتقادی میشود و تذکری با ما میدهند و ترش می کنیم و بفکر معارضه و دفاع می افتیم غافل از اینکه محل و موردی برای دفاع و توجه نداریم. بخاطر داریم که در این رهگذر رژیم گذشته هر چه بیشتر کوشش کرد کمتر نتیجه گرفت. اختصاص میلیاردها ریال به بدانشگاههای خارجی، خرید عناوین افتخاری و دکترها مهمانی ها، دعوت ها، باج ها، رشوها، جشنهای ۷۵۰۰ ساله و چه و چه هیچکدام چهره گریه دیکتاتوری و ظلم و فساد را از دید جهانیان مستور و مخفی نداشتند و کوس رسوائی نظام طاغوت بر پام دنیا زده شد. این حقیقت را از یاد نریم که عتاین کار ساز نیست و آنچه که برای دستگاو و نظام حکومتی مشروعیت می آورد محتوایست. صرف اینکه ما داسرا یا دادگاه یا نظامی را اسلامی بنامیم نه فقط اعمال و رفتار ما را نجات میدهد

مؤلفی بسیار بدآواز بود که تمام مردم محل از صدای او به تنگ آمده بودند. مردم جمع شدند و کمک کردند تا او روانه زلیرت کبه شد. در بین راه قافله از منطقه کنار عبور می کرد شب هنگام به موقع آذان مؤلف صدای خود را رها کرد همراهان قافله ترسیدند که مبادا کفار بریزند و آنان را صدمه ای بزند ولی با تعجب دیدند که کافری هدیه آورد و گفت دختر من سخت علاقمند به اسلام شده بود و هیچ راهی جهت منع او نداشتم تا اینکه این صدای آذان او را آنچنان برانفت که روی گردان شد و مشکل حل گردید.

حاله به منظور حسن ختام ابیاتی از آن داستان ذکر می شود. هیچ چاره ای ندانستم در آن تا فرخواند این مؤلف این آذان گفت دختر چیست این مکره بانگ که گوشم آید این دو چار دانگ من همه عمر این چنین آواز زشت هیچ شنیدم در این دیر و کشت خواهرش گفتا که این بانگ آذان هست اعلام و شمار مومنان باورش نامد برسد از دگر آن دگر هم گفت آری ای قمر چون یقین گشش رخ او زرد شد زومسلطانی دل او سرد شد.

شد، مقالات و نوشته های اینان همه و همه در جهت معرفی و تایید و پشتیبانی از انقلاب ایران بود ولی اینروزها کمتر روزنامه و مجله خارجی است که بما تنازه و حکومت ایران را به خشونت، قساوت، بی نظمی و هرج و مرج متهم نکند و این فقط ناشی از سوء نیت و خصم و کینه و تحریک و توطئه محافل امپریالیستی نیست بلکه این ما بوده ایم که از اصول بدور افتاده و ضوابط را فراموش کرده ایم، ما بوده ایم که بهانه بدست آنها داده و آب پودایشان انداخته ایم و بجای آنکه علل و جهات این جنجال بین المللی را در خارج از مرزهایمان جستجو کنیم باید بمتن جامعه مان باز گردیم و علتها را در اینجا جستجو کنیم و در این باره بعدا سخن خواهیم گفت.

# بفکر نگهداری گلهایتان در زمستان باشید

- مدل ۸۱۰ (۳×۴ متر) قیمت ۴۵۰۰۰ ریال با نصب تحویل محل
- مدل ۸۱۲ (متر ۲/۵×۳/۶) قیمت ۵۰۰۰۰ ریال با نصب تحویل محل
- مدل ۱۰۱۲ (متر ۳/۳۰×۳/۶۰) قیمت ۷۰۰۰۰ ریال با نصب تحویل محل

نشانی - تخت جمشید چهار راه بهار شماره ۳۶۰ طبقه اول - دفتر فنی کشاورز سازمان جوانان جنبش درمحل کلوب شماره ۱ در کار تدارک یک کتابخانه است. دوستان با اهدای کتاب به غنی شدن کتابخانه و استفاده خود و دوستانشان کمک خواهند کرد.

